

عنوان: نگاهی به ۸ سال حماسه و مقاومت
موضوع: جنگ ایران و عراق - جنبه‌های حقوقی؛ جنگ ایران و عراق - قطعنامه‌ها؛ جنگ ایران و عراق
پدیدآورنده:

نشریه: قدس، ۸۰/۷/۲

هیچ انقلاب واقعی نمی‌تواند پس از پیروزی بدون مواجهه با مشکلات، موانع و توطئه‌های گوناگون، به راه خود ادامه دهد. انقلاب اسلامی ایران نیز به دلیل ماهیت اسلامی و سیاست سلطه‌ناپذیری خود به هیچ وجه نمی‌توانست و نمی‌تواند آسوده از توطئه‌های رنگارنگ دشمنان اسلام و انسانیت باشد. شکست پیاپی توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی ایران با آنکه برای آنان ناگوار و شکننده بود، ولی هرگز آنها را از پای نرساند و هر روز توطئه جدیدی را طرح ریزی کردند. پس از ناکام ماندن حمله نظامی مستقیم آمریکا به ایران (واقعه طبس) و کودتای طرح ریزی شده در پادگان نوژه و اغتشاش‌های داخلی توسط گروه‌های وابسته و ناامیدی از رخنه در ارکان حکومت انقلابی و نوپای ایران اسلامی، استکبار جهانی این بار با دادن چراغ سبز به رژیم عراق، آن کشور را ترغیب کرد که حمله همه‌جانبه‌ای را به ایران اسلامی آغاز کند.

دشمن بازي خورده پس از يك ارزيابي غلط از اوضاع ايران اسلامي و بدون محاسبه پشتوانه‌هاي مردمی انقلاب، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله سراسری خود را در طول نوار مرزی از آبادان تا قصرشیرین آغاز کرد.

همزمان با این حمله، هواپیماهای عراقی، بسیاری از مراکز نظامی، نقاط حساس، فرودگاه‌ها و نیز شهر را بمباران کردند. نیروهای متجاوز هر چند در اولین اقدام نظامی گام‌های مهمی برداشتند، اما در حقیقت به هیچ یک از اهداف اولیه خود در تحمیل جنگ به ایران از جمله قطع راه‌های استان ۱۹ خوزستان با سایر نقاط کشور، تصرف شهرهای ذرفول، اندیمشک، اهواز و آبادان که به مفهوم اشغال کامل خوزستان بود، دست نیافتند.

علیرغم شرایط دشوار آن روز، نیروهای ارتش با از خود گذشتگی و ایثار توانستند در مقابل حرکت وسیع نظامی عراق، مانع ایجاد کنند و موجب تأخیر در حرکت دشمن به سوی اهداف از پیش تعیین شده شوند. پس از آن با حضور نیروهای داوطلب مردمی و نهاد نوپای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیز متوقف شدن ماشین جنگی دشمن و تثبیت جبهه‌ها و خطوط دفاعی، نیروهای رزمنده ایران اسلامی خود را برای هجوم به دشمن آماده کردند. در این مقطع، عراق موضع سیاسی خود را تغییر داد و در تمامی مناطق اشغال شده اقدام به پدافند نمود و ریاکارانه به ایران پیشنهاد آتش بس داد، اما جمهوری اسلامی ایران پذیرش هرگونه آتش بس را پیش از خروج کامل نیروهای عراقی از مناطق اشغالی رد کرد. عراق تلاش کرد خطوط پدافندی خود را اصلاح نموده و برای یک جنگ درازمدت، نقاط مناسب و حساس استراتژیک را به دست آورد و همچنان فشار خود را برای اشغال شهرهای آبادان و اهواز ادامه داد. پس از پشت سر گذاشتن این مرحله از جنگ و با عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، شرایط در جبهه‌های نبرد متحول گردید. پیروزی رزمندگان ایران اسلامی در عملیات نسبتاً بزرگی که در جبهه‌های جنوب با رمز فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا انجام گرفت، سرآغاز طراحی عملیات مشترک ارتش و سپاه با پشتیبانی نیروهای بسیج و مردمی گردید. در این شرایط، استکبار، گروه‌های سیاسی مخالف با انقلاب را وادار کرد تا علیه نظام اسلامی وارد جنگ مسلحانه شوند و پس از آن، جهان شاهد ترور بهترین یاران وفادار به امام (ره) بود.

برخلاف باور دشمن این شهادتها، استقامت و پایداری اقشار مردم را بیشتر کرد و ایران اسلامی از نظر سیاسی یکپارچه تر شد. تنها پس از گذشت یک ماه از شهادت شهیدان رجایی و باهنر و در پی صدور فرمان شکستن حصر آبادان از سوی امام (ره)، عملیات ثامن الائمه توسط لشکر ۷۷ نیروی زمینی ارتش با همکاری نیروهای از سپاه آبادان و بسیج مردمی آغاز شد و پیروزی رزمندگان اسلام در این جبهه، روح وحدت ملی در کشور را تقویت نمود. با انتصاب امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و با تدبیر وی در طرح ریزی و اجرای مشترک عملیات با یگان‌های سپاه پاسداران، رزمندگان اسلام خود را برای وارد آوردن سهمگین‌ترین ضربات بر دشمن آماده ساختند.

اجرای عملیات طریق القدس در آذرماه ۱۳۶۰ که به آزادسازی بستان انجامید و پس از آن عملیات غرور آفرین فتح المبین در فروردین ۱۳۶۱ ثمره این وحدت مقدس بود که شکست‌های مکرر دشمن را در پی داشت. عراق در این مرحله از جنگ و در حالی که احتمال یک حمله بزرگ از سوی ایران برای آزادسازی خرمشهر را می‌داد، داعیه صلح خواهی و آتش بس را سر داد.

رزمندگان اسلام بی‌اعتنا به این حيله جديد دشمن، با ايثار و از جان گذشتگی و با توکل بر خدا،

طی سه مرحله عملیات، سرانجام در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ خرمشهر را از لوث وجود دشمن پاک نمودند. حرکت رزمندگان اسلام در این منطقه منجر به پاکسازی کامل مناطق جنوبی از نیروهای عراقی گردید و دشمن به پشت خطوط و استحکامات خود عقب رانده شد و با ایجاد دریاچه های وسیع و میدانهای مین و سیمهای خاردار در موضع تدافعی قرار گرفت. دوره اول جنگ از آغاز تا آزادسازی خرمشهر در حالی پایان یافت که بیشتر ضعفهای ناشی از بحران انقلاب، در یک بسیج مردمی برطرف گردیده بود. دشمن بازي خورده نیز که عزم ملت ایران را برای دفاع از انقلاب و تمامیت ارضی کشور درنگ کرده بود، در پی راهی برای گریز از این مهلکه می گشت. صدام حسین دو هفته پس از آزادسازی خرمشهر در اقدامی تاکتیکی به نیروهای خود دستور عقب نشینی به مرزهای بین المللی را داد و به دعوت از مجامع بین المللی برای برقراری آتش بس پرداخت. در این حال ایران مصرانه خواستار معرفی عراق به عنوان متجاوز و تنبیه آن و جبران خسارتهای وارده بر خود بود. در این زمان، رژیم صهیونیستی به تهاجمی همه جانبه به منظور تصرف لبنان دست زد. حمله رژیم صهیونیستی به لبنان که یازده روز پس از فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام انجام گرفت، دقیقاً در راستای حمایت از رژیم بعث عراق و به منظور به انحراف کشاندن افکار عمومی ایران و جهان از جبهه های جنگ تحمیلی به منطقه ای دیگر طرح ریزی و اجرا شد. تحلیل دشمن این بود که ایران در مقابل شعار صلح خواهی عراق دو راه پیش رو دارد: یا اینکه این پیشنهاد عراق را می پذیرد، در نتیجه جنگ خاتمه پیدا می کند و رژیم بعث نجات می یابد و یا اینکه آنرا رد می کند که در این صورت در مقابل کشورهای اسلامی قرار خواهد گرفت. حضرت امام خمینی (ره) با آن دید الهی، متوجه توطئه دشمنان شدند و به همین منظور بلافاصله عملیات رمضان در ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ انجام شد و پس از آن نیز سلسله عملیات متعدد دیگری با هدف تنبیه متجاوز به مورد اجرا درآمد که نتایج آن فتح فاو، برای رژیم بعث و استکبار هولناک بود. در این حال استکبار و حامیان عراق در منطقه از هرگونه کمک مالی، اطلاعاتی و نظامی به بغداد دریغ نکردند، اما علیرغم همه این تلاشها، دشمن کاری از پیش نبرد. بدین ترتیب دستور العمل تهاجم دوباره، تحت عنوان دفاع متحرک برای ارتش عراق صادر گردید. تهاجمات جدید دشمن که با بمباران شهرها و حملات شیمیایی نیز همراه بود، خللی در عزم ایران بر تنبیه متجاوز و دست یافتن به حقوق مسلم خود ایجاد نکرد. سرانجام در اواخر سال ۱۳۶۶ حلبچه نیز فتح شد. پس از فتح عظیم نیروهای اسلام در حلبچه و حضور آنها در عمق خاک عراق، دشمن در شمال عراق با دو عامل جدید وارد صحنه شد: سیاست سرزمین سوخته و قتل عام مردم عراق. حضور رسمی نیروهای بیگانه در خلیج فارس و دریای عمان در این مرحله آشکار گردید که رژیم حاکم بر عراق بنا دارد حتی با قتل عام و انهدام مردم این کشور، از پیشرفت بیشتر نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق جلوگیری نماید. سیاست سرزمین سوخته به صورت مانعی در برابر رزمندگان اسلام قرار گرفت و ایران خواستار بروز چنین فجایعی برای ملت عراق نبود. به موازات سیاست مذکور، لشکرکشی نیروهای آمریکا به خلیج فارس و دریای عمان صورت گرفت و این نیروها با انهدام سکوهایی نفتی جمهوری اسلامی ایران و حتی هدف قراردادن یک فروند هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس، خبیثانه وارد جنگ مستقیم با ایران شدند. در چنین شرایطی و در پی مذاکرات صورت گرفته توسط مراجع سیاسی کشور، قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد با توجه به در نظر گرفتن خواست ایران مبنی بر معرفی متجاوز و جبران خسارات وارده و نیز به منظور خلع سلاح کردن دشمن از اتهام جنگ طلبی ایران، در ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۷ پذیرفته شد. با این اقدام غیر منتظره ایران، تمامی اهرمهای فشار بین المللی و محاصره های اقتصادی و سیاسی در تهدید واقع گردیدند. عراق نیز که قبلاً قطعنامه را حمل بر ضعف ایران تلقی می کرد با تصور آنکه می تواند اهدافی را که در آغاز جنگ به دست نیاورده بود، اینک به جنگ آورد، بار دیگر وارد خاک ایران شد. به محض سرپیچی عراق از برقراری آتش بس و پیشروی در داخل سرزمین مقدس جمهوری اسلامی ایران، با صدور فرمانی از جانب امام خمینی (ره) خیل عظیمی از مردم راهی جبهه ها گردیدند و با همکاری نیروهای مسلح ظرف کمتر از چند روز نیروهای متجاوز به آن سوی مرزها رانده شدند و منافقینی که در محور غرب فعالیت داشتند، نیز محاصره و در عملیات مرصاد به کلی منهدم شدند. با حملات شجاعانه نیروهای رزمنده، سرانجام در تاریخ ۱۰۰۵۶۷ و پس از دو هفته فشار همه جانبه، عراق قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت و بدین ترتیب دشمن به هیچ یک از اهداف استراتژیکی خود که همانا سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی ایران و تجزیه کشور اسلامی مان بود، به همت والای ملت مسلمان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، دست نیافت.